



یادداشت

نه گفتن به طاغوت؛ درس اول توحید



حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

دکترین خارجی ایران، استراتژی عزت و صلابت است؛ استراتژی حفظ استقلال سیاسی و عزت ملی است و تمام این مفاهیم، برگرفته از آیات شریف قرآن است.

یکی از آیات شریف قرآن که در عین دستور به استقامت، نوید یاری و نصرت الهی هم می‌دهد، آیه ۳۰ سوره مبارک فصلت است:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا... ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ: به یقین کسانی که گفتند، پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «ترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!».

این آیه شریف بیان می‌کند که برای رسیدن به نصرت الهی باید سختی‌ها را به جان خرید و در مسیر حق صبر کرد و منتظر تحقق وعده‌های الهی بود. همین روزها ترامپ دوباره پیام داده است که اگر می‌خواهید فشارها برداشته شود، تمام خواسته‌های ما را سر میز مذاکره بپذیرید و این ملت و این رهبر نخواهند پذیرفت. به قول سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، ما ملت امام حسین^(ع) هستیم و از او آموخته‌ایم که باید با عزت زندگی کنیم و مرگ با عزت را به زندگی با ذلت ترجیح می‌دهیم.

رهبر معظم انقلاب در گفتار شیوایی ذیل آیه فوق، گفتمان ایستادگی و عزت را در معارف قرآن تشریح می‌کنند و می‌فرمایند: «شما ملاحظه کنید، قدرت‌های اقتصادی اول دنیا، قدرت‌های علمی درجه‌یک دنیا، قدرت‌های نظامی و امنیتی ردیف اول دنیا، امروز یک جبهه وسیعی را در مقابل این ملت تشکیل دادند. اینچور نیست؟ هرکاری هم از دستشان برمی‌آید، دارند می‌کنند، تهدید امنیتی می‌کنند، تهدید اجتماعی می‌کنند، تهدید سیاسی می‌کنند، دانشمند ما را ترور می‌کنند، تحریم می‌کنند، فشارهای سیاسی فراوان وارد می‌کنند، دائم تهدید به تحرک نظامی می‌کنند، در داخل تا هر جا دستشان برسد، فتنه‌انگیزی و آشوب آفرینی می‌کنند، اما ملت ایران و جمهوری اسلامی با کمال قدرت و استقامت در مقابل همه این‌ها ایستاده، آن «بله» ای را که به زور می‌خواهند از او بگیرند، آن «بله» را نمی‌دهد. آن «بله» عبارت است از تعظیم در مقابل قدرت مسلط جهانی، نظام سلطه.

این کار را نمی‌کند. ما که در مقابل نظام سلطه جهانی «نه» می‌گوییم، این نه، «نه» ای به علم نیست، «نه» ای به تمدن نیست، «نه» ای به پیشرفت نیست، «نه» ای به تجربه‌های متراکم بشری نیست؛ «نه» به سلطه طلبی و زیاده‌خواهی و استعباد و به زیرمهمیز کشیدن ملت هاست؛ این «نه» و اما گفتیم، بایش هم ایستادیم؛ «ان الذین قالوا ربنا... ثم استقاموا»؛ ایستادگی ملت ایران، خیلی ایستادگی باشکوهی است. در واقع کلمه شریف لاله‌الا... که جلوه ایمان ماست، یک مقدمه و یک مؤخره دارد. مقدمه آن نه گفتن به غیر خداست، نه گفتن به طواغیت است، نه گفتن به بردگی و بندگی غیرواست و پس از آن، پانهادن در قلعه توحید که این توحیدمداری در زندگی فردی و اجتماعی و حتی سیاست خارجی، مصداق‌هایی دارد.

البته گاهی هم پیامبران الهی و اولیا در مسیر تحقق این توحید و این بندگی به شهادت می‌رسیدند که باز در معارف قرآنی از «احدی الحسنین» گفته می‌شود، یعنی برای خدا بودن و در مسیر خدا حرکت کردن، همه‌اش خیر و سعادت است و در این طریق، هر چیزی که کسب شود، در واقع پیروزی است. از خداوند بزرگ می‌خواهیم که راه حق را جلوی چشم ما روشن کند و توفیق حرکت در مسیر عزت و سعادت را از ما دریغ نکند و ما را از شرمنگان در پیشگاه خون شهدا قرار ندهد.

ان شاء...!

مِيقَات

روز ۱۹

تشنگی در روز ورود

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ

مسعود فرشته پورا روزی خواهد رسید که دیگر هیچ چیز در اختیار ما نیست؛ نه زبان به عذرگویی باز می‌شود، نه دست به کار نیکی دراز. روز ورود است، روزی که همگان گرد حوض کوثر جمع می‌شوند، چشم انتظار جرعه‌ای از دست رسول رحمت، در این لحظه، دل زائر به آسمان بلند می‌شود و زمزمه می‌کند: «اللهم ارزقني شفاعه الحسين يوم الورد».

این جمله، تنها یک دعا نیست؛ آینه‌ای است از امید بی‌پناه‌ترین لحظه انسان. در این فراز، زائر نه فقط آرزوی نجات دارد، بلکه شفاعت حسین را چون دستاویز نهایی نجات می‌طلبد؛ چرا که حسین، باب نجات است و تنها با پیوند با اوست که می‌توان در وادی قیامت، سر به سلامت برد. «یوم الورد»، روزی است که جان‌ها از عطش می‌سوزند و آن‌که به حسین^(ع) نزدیک‌تر است، سیراب‌تر است. در آن لحظه، حساب و کتاب نیست که راهگشاست؛ مهر حسین در دل، کلید نجات است. شفاعت، تنها برای آنان است که در دنیا دل در گرو محبت اهل بیت داشته‌اند، نه آنان که نام حسین را فقط در مصیبت‌ها به زبان آورده‌اند.

شفاعت حسین^(ع)، مزد اشک‌های شبانه نیست، پاداش قلبی است که با او زیسته است؛ دلی که در دنیا یادش کرده، راهش را پیموده و در لحظه‌های انتخاب، جبهه او را برگزیده است. آن‌که شفاعت می‌خواهد، باید پیش‌تر خویش را در صف یارانش نهاده باشد؛ نه فقط با اشک، که با عمل، با پرهیز از گناه، با ایستادن در برابر باطل.

بیایید امروز، در این روز از چله زیارت، از خود بپرسیم: اگر امروز روز ورود باشد، آیا شفاعت حسین، سهم ما خواهد بود؟ اگر او شفیع ما باشد، کدام عملمان را دست‌مایه این لطف قرار داده‌ایم؟

خدا یا! این زبان، توان شکر ندارد، این دل، جز تمنای شفاعت، چیزی نمی‌شناسد. به آبروی حسین، ما را در روز عطش، سیراب از کوثر محبتش گردان! به ما جرعه‌ای از امنیت عطا کن، در هنگامه‌ای که همه تشنه‌اند. شفاعتش، سقف آرزوهای ماست.

بررسی دعای مرزداران امام‌سجاد^(ع) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین واعظ‌موسوی

دعایی برای دستان خدا در زمین

آمنه مستقیم! مروری بر آموزه‌های نورانی قرآن و اهل بیت^(ع) و نیز وقایع مهم تاریخ اسلام نشان می‌دهد درکنار عوامل مادی و دنیایی، امور معنوی و غیرمادی در اثرگذاری و نقش‌آفرینی در سرنوشت اسلام و مسلمین از مادیات پیشی گرفته و تاریخ‌سازی کرده‌اند. عواملی همچون دعا که در پیروزی جبهه حق در طول تاریخ سهمی بسزا داشته است، لذا در میراث دعایی حضرات معصومین^(ع)، دعا برای موقعیت‌ها و شرایط مختلف توصیه شده است، مثل دعای بیست‌وهفتم صحیفه سجادیه که به دعا برای مرزداران شهرت دارد و در این روزها، رسالت حمایت از سربازان وطن به واسطه دعا را پیش از پیش یادآوری می‌کند. در این باره با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی واعظ‌موسوی، کارشناس مذهبی و خطیب آستان قدس رضوی، گفت‌وگو کرده‌ایم.



سربازان؛ دست خدا در زمین

صحیفه سجادیه، در ظاهر دعاست اما در باطن، سبک زندگی اسلامی را به یاد ما می‌دهد؛ اینکه کجا باید حساس باشیم و کجا نباید سخت بگیریم؛ چنان‌که امام سجاد^(ع) در دعای بیست‌وهفتم صحیفه سجادیه به ما یادآوری می‌کنند به مرزداران اهمیت بدھیم و بدانیم اینکه در امنیت، شب را روز و روز را شب می‌کنیم، مروه مرزداران جان‌برکف است، لذا باید سردار باقری‌ها، سردار سلامی‌ها، سردار حاجی‌زاده‌ها برای ما مهم باشند؛ چون این‌ها دست خدا در زمین هستند و امنیت ما را تأمین می‌کنند.

نقش دعا را کم ندانیم

به تعبیر امام خمینی^(ره)، قرآن نازل شده است و از آسمان به زمین می‌آید، اما دعا صاعد است، یعنی صعود می‌کند. لذا نباید نقش دعا را در زندگی دست‌کم گرفت. قرآن می‌فرماید: «اگر دعای شما نبود، خداوند به شما توجه نمی‌کرد». دعا نشانگر توحید کامل است. وقتی انسانی موحّد باشد، زیانش به دعا گشته می‌شود. دعای امام حسین^(ع) با آن گستردگی و فرازها برای آن است که لذت عبادت را بیشتر بچشیم. آن‌ها که حال دعا ندارند یا به تأثیر دعا با دیده تردید می‌نگرند، خدا را باور نکرده‌اند!

اتس با دعا، نشانه توحید است

اگر انسان، خدا را باور کند، او را یاد می‌کند. انسان وقتی کسی را دوست دارد، از یاد کردن دائمی او لذت می‌برد و با نام و ذکر خدا عشق بازی می‌کند، از این روانس با دعا به شکل عارفانه نه از باب کسب ثواب، علامت و کمال توحید است. این همه دعا‌های زیبا از آمنه^(ع) برای آن است که آن حضرات با خدا محرم بودند و همین زیانشان را به دعا می‌گشود. اگر در دعا کند هستیم، برای آن است که هنوز محرم نشده‌ایم، لذا بزرگان تأکید می‌کنند اگر حال دعا ندارید، باید مشکل خود را رفع کنید. باید حال دعا پیدا کنیم، نه اینکه فقط سر سجاده بنشینیم، بلکه باید در همه آنات زندگی متوجه خدا باشیم و او را بخوانیم تا پاسخمان را بدهد، «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ».

درس مهم امام‌سجاد^(ع) در دعا برای مرزبانان

تکنه بسیار مهم در دعای مرزداران امام سجاد^(ع) آن است که حضرت سیدالسادین^(ع) زمانی این دعا را انشا کرده‌اند که بنی‌امیه روی کار بودند؛ یعنی دعا برای مرزداران در حالی بود که بنی‌امیه بر جامعه حاکم بودند؛ این یعنی روی کار بودن حکام ستمگر، مانع از دعای حضرت و طلب خیر کردن ایشان برای سربازان اسلام نمی‌شود و وقتی مرزهای کشورهای اسلامی در خطر است، حضرت با نگاهی فراتر و بالاتر می‌نگرند و از خدا می‌خواهند این مرزها حفظ شود؛ هرچند که حاکمان جامعه از بنی‌امیه باشند!

انسجام ملی، یک اصل است

اگر دشمن بر کشورهای اسلامی حاکم شود، به هیچ‌کسی رحم نمی‌کند صحیفه سجادیه در زمان حاکمیت جاثرتدوین شده است اما امروز که شرایط مهیا و ایران از قدرت‌های برتر منطقه است و حکمرانان دغدغه دین و آموزه‌هایش را دارند، نباید بی‌تفاوت بود. امروز انسجام ملی، یک اصل است و باید به ایرانی بودن، فکر و با دعا از سربازان و مرزداران جان‌برکف وطن حمایت کرد.

دعا یعنی ما بی تفاوت نیستیم

تجربه تاریخی به ما نشان می‌دهد اگر انسجام و عرق ملی نباشد، دشمن بر ما مسلط می‌شود؛ زمانی به سرزمین‌های اسلامی حمله شد، زنان چهارچوب‌های در را کردند و به مبارزه با دشمن برخاستند اما در برهه‌ای دیگر از تاریخ، وقتی به ایران حمله شد و شیخ‌الشيوخ را گفتند که مغولان آمدند، شیخ سر در عیاف‌روبرد و مغولی آمد سر با عبادداشت! این برش دوم از تاریخ نشان می‌دهد جامعه به قدری در انفعال به سر می‌برده است که شیخ‌الشيوخ جامعه در برابر حمله دشمن بی‌تفاوت بوده و نتیجه آن شد که می‌دانیم، حمایت از مرزداران با دعا، یعنی ما بی‌تفاوت نیستیم.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَ حَصِّنْ نُفُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ اَيِّدْ حِمَاهَا بِقُوَّتِكَ،
وَ اَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ

حجت‌الاسلام والمسلمین واعظ‌موسوی:

امروز انسجام ملی، یک اصل است و باید به ایرانی بودن، فکر و با دعا از سربازان و مرزداران جان‌برکف وطن حمایت کرد.